



شناخت امیرالمومنین برای شیعیان فریضه است / علی(ع) از زبان خودش

برای کسانی که خود را شیعه حضرت امام علی (ع) می‌دانند، کسب شناخت و معرفت نسبت به شخصیت آن امام معصوم (ع) یک فریضه است و نباید در انجام آن غفلت روا دارند.

برای کسانی که خود را شیعه حضرت امام علی (ع) می‌دانند، کسب شناخت و معرفت نسبت به شخصیت آن امام معصوم (ع) یک فریضه است و نباید در انجام آن غفلت روا دارند.

به گزارش خبرگزاری مهر، فرازهایی از سخنان آیت الله جوادی آملی را در ایام شهادت علی بن ابی طالب (ع) در ادامه می‌خوانید:

برای کسانی که خود را شیعه حضرت امام علی (ع) می‌دانند، کسب شناخت و معرفت نسبت به شخصیت آن امام معصوم (ع) یک فریضه است و نباید در انجام آن غفلت روا دارند، که هر نوع قصور و مسامحه در این امر، زیان‌زبان‌زایی چون از دست دادن فیض شناخت و آگاهی نسبت به کسی را به همراه دارد که حتی بیگانگان در مقام والای او به شگفتی افتادند و سر به خضوع فرود آوردند.

مگر نه این است که شیعه یعنی تابع و پیرو؟ و آیا جز این است که تبعیت و پیروی از حضرت مولی الموحدين (ع) در گرو معرفت نسبت به شخصیت اوست و تا این شناخت و بینش به دست نیاید، پیروی تحقق عینی نمی‌یابد؟ بنابراین شخصیت‌شناسی امیرمومنان (ع) برای هر مدعی پیروی از آن پیشوای الهی، ضروری و حیاتی می‌باشد.

راستی چگونه می‌توان در برگرفتن جرعه‌هایی از اقیانوس بی‌کران شخصیت کسی که جامع صفات متضاد و خصال گوناگون است، تسامح ورزید و در عین حال نامش را بر زبان جاری کرد و خود را محب او نامید؟ برای انجام وظیفه امام‌شناسی، مستحکم‌ترین و راهبردی‌ترین شیوه، گوش جان سپردن به معارف و رهنمودهایی است که آن پیشوای بزرگ درباره خود بر زبان جاری ساخته است، اگر چه معتقدیم آنچه حضرت علی (ع) درباره خود فرموده، بسیار اندک است.

بدیهی است عالمان و اندیشمندان اسلامی که خود در مکتب حضرت امام علی (ع) سال‌های مدید درس و حکمت آموخته‌اند، در تبیین سخنان آن امام معصوم، دارای احاطه و نگرش‌های ژرف و همه‌جانبه می‌باشند، و فقیه و اندیشمند معاصر حضرت آیت الله جوادی آملی از کسانی است که دارای این مهارت خاص می‌باشد و ما را در این امر بینش و آگاهی می‌دهد.

شناخت مقام والای حضرت علی (ع) و شناساندن آن، جز برای امامان معصوم مقدور نیست، از این رو مناسب است برای شناخت آن حضرت به برخی از سخنان خود ایشان تمسک کنیم که نشان‌دهنده اعتلای مقام حکیمانه وی است.

۱. در خطبه ۱۹۲ از نهج‌البلاغه هنگامی که ظهور اسلام را تشریح می‌کند و رسول اکرم (ص) را می‌ستاید، می‌فرماید:

رسول اکرم (ص) مرا در همان اوایل زندگی در دامن خویش می‌پروراند و هر روز بابی از علم و اخلاق به روی من می‌گشود و مرا به اقتدای آن فرا می‌خواند، یرفع لی فی کل یوم من اخلاقه علما و یامرني بالاقتداء به، و هر سال که مجاور کوه حرا می‌شد و در جوار آن به عبادات می‌پرداخت، من او را می‌دیدم و جز من کسی وی را نمی‌دید، و لقد کان یجاور فی کل سنه بحراء و فاراه و لایراه غیري.

در خانه‌ای که اسلام در آن ظهور کرده بود غیر از رسول اکرم (ص) و خدیجه (ع) کسی نبود و من سومین نفر آن دو بودم. نور وحی و رسالت را می‌دیدم و نسیم نبوت را استشمام می‌کردم، ولم یجمع بیت واحد یومئذ فی الاسلام غیر رسول الله (ص) و خدیجه و انا ثالثهما. اری نور الوحی و الرساله و اشم ریح النبوه.

آن شامه غیبی که نسیم غیبی را استشمام می‌کند و در انبیا (ع) وجود داشت، در علی (ع) نیز بود. وقتی برادران یوسف از مصر حرکت کردند و پیراهن وی را به همراه خود آوردند، حضرت یعقوب در فاصله چندین

کانون و کان علم و حکمت علی و اولاد علی (ع) هستند و همان‌گونه که قرآن کریم در تشریح حکمت گویا و رسا است، امیرمومنان (ع) نیز که شاگرد بارز این کتاب و قرآن ناطق است، بهترین بیانگر حکمت خواهد بود.

وصفی که خدا برای قرآن بیان فرمود، علی (ع) نمونه آن صفت را برای خود تشریح می‌کند، خدا در عظمت قرآن می‌فرماید: لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله، آن قدر این قرآن وزین است که اگر آن را بر کوه نازل کنیم، کوه متلاشی می‌شود.

همان گونه که هضم مسایل سنگین برای همه میسر نیست و بسا افرادی را به صداع و سردرد مبتلا می‌کند، می‌معارف بلند قرآن کوه را به صداع، می‌تفرق و تلاشی مبتلا می‌کند، و این مثلی است که ممثل را روشن می‌سازد؛ و تلك الامثال نضربها للناس (۳)

امیرمومنان (ع) نیز پس از درگذشت سهل بن حنیف انصاری که از اصحاب دیرینه و شاگردان مکتب مولی‌الموحدین بود، فرمود: اگر کوه بخواهد محبتم را هضم کند، متلاشی می‌شود؛ لو احبني جبل لتهافت (۴) یعنی تحمل محبت، هضم ولایت و معرفت علی (ع) مقدور کوه نیست، همان گونه که هضم معانی بلند قرآن مقدورش نیست.

۷. در کلمه قصار ۱۸۴ می‌فرماید: ما شککت فی الحق مذ اریته، از آن لحظه‌ای که حق را به من نمایاندند و حق مشهود من شد، در آن شک نکردم.

آری! علی (ع) که بر فطرت توحید زاده شده است، فانی ولدت علی الفطره از لحظه‌ای که حق را به آن حضرت نشان دادند، در آن شک نکرد و تا آخر نیز بر آن استوار ماند.

۸. امیرمومنان حضرت علی (ع) در یکی از نامه‌هایی که برای معاویه مرقوم فرمودند، مقداری از فضایل اهل بیت را تشریح کرده، می‌فرماید: اگر خداوند در قرآن از خودستایی و بر شمردن فضایل خود نهی نفرموده بود، (فلا تزکوا انفسکم) (۶) من گوشه‌ای از فضایل خانوادگی خود را برمی‌شمردم، و لولا مانهی الله عنه من تزکیة المرء نفسه، لذكر ذاکر فضائل جمه. این کار شمارش نعمت‌های خدا در کمال خضوع و بندگی است. سپس می‌فرماید: فانا صنائع ربنا ولناس بعد صنائع لنا (۷) ما ساخته شده و دست پرورده خدای خویش هستیم، ما ساخته ربوبیت حقیق و دیگران دست پرورده ما هستند. ما علوم الهی را از مکتب الله آموختیم و دیگران از ما فرا گرفتند. ما در کنار سفره وحی نشسته‌ایم و سایرین در کنار سفره ارشاد ما. ما در آموختن علوم و معارف نیازی به غیر خدا نداریم، ولی دیگران نیازمند ما هستند که مجرای فیض خداوندیم.

این جمله بلند در یکی از توقیعات حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) نیز آمده است: نحن صنائع ربنا و الناس بعد صنائنا. (۸)

شاگرد مستقیم خدای عزیز حکیم خود نیز حکیم است. رسول اکرم (ع) که قرآن حکیم را از نزد خدای حکیم آموخت، حکیم است و علی ابن ابی طالب (ع) نیز که طبق آیه مباهله (آل عمران، ۶۱) به منزله جان رسول اکرم (ص) و مانند نفس مطهر او محسوب شده، از همین مکتب و علم لدنی برخوردار است، و چشمه‌های حکمت از جان او می‌جوشد.

اگر کسی چهل روز خالصا لوجه الله زندگی کند و تمام برنامه چهل روزش برای رضای خدا باشد. مضمون (قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین) (۹) در جانش تجلی کند، چشمه‌های حکمت از جانش می‌جوشد و بر زبانش جاری می‌شود، قال رسول الله (ص): من اخلص لله اربعین یوما فجر‌الله ینایع الحکمه من قلبه علی لسانه (۱۰)

علی (ع) که تمام عمر را خالصا لوجه الله زندگی کرد، در حکمت نظری به جایی رسید که فرمود: آن چه از هم اکنون تا قیامت رخ می‌دهد، از من نمی‌پرسید، جز آن که شما را آگاه می‌کنم، لتسألوننی عن شیء فیما بینکم و بین الساعة... الا انباتکم. (۱۱)

این تحدی غیر از جمله‌ای است که فرمود: ایها الناس سلونی قبل ان تفقدونی فلانا بطرق السماء اعلم منی

بطرق الارض (۱۲) پیش از آن که مرا در بین خود نیابید، آن چه می‌خواهید بپرسید که من به راه‌های آسمان از راه‌های زمین آشناترم.

چنین انسانی که بر بام طبیعت مشرف است و به جهانی راه یافته که بر طبیعت مسلط است، در حکمت نظری و عملی حکیمی کامل، نامور و مثاله خواهد بود.

۹. در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه می‌فرماید: من جزو گروهی هستم که در راه خدا از سرزنش ملامت کنندگان باز نمی‌ایستند، سیمای آنان سیمای صدیقان است، یعنی کسانی که هم در مقام اعتقاد صادقند و هم در مقام اخلاق و عمل. صدق در این سه قسم برایشان ملکه و راسخ شده است، و انی لمن قوم لا تأخذهم فی الله لومه لائم سیمای هم سیمای الصدیقین، و گفتارشان گفتار افراد نیک است، و کلامهم کلام الابرار. شب را زنده و آباد نگه می‌دارند، عمار اللیل. شب آنان معمور است، نه بایر و مخروب، شب را به خواب نمی‌گذرانند تا مخروب و ویران باشد، آن کس که در خواب است، شب زنده و آباد ندارد:

گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت قطره باران ما گوهر یکدانه شد

زنده بودن شب و آباد کردن آن موجب روشن شدن روز و آبادی آن می‌شود، و منار النهار.

روشنی روز از قبال افراد روشن ضمیر است، طبیعت را آفتاب روشن می‌نماید، ولی جامعه بشری را اولیای الهی روشن می‌کنند، آنان روز را نور می‌دهند و شب را آباد و زنده می‌گردانند و زمان را فروغ می‌بخشند و زمین را برکت می‌دهند.

به ریسمان قرآن چنگ می‌زنند، متمسکون بحبل القرآن، سنت‌های خداوند و رسول را احیا می‌کنند و مقررات الهی را زنده نگه می‌دارند، یحیون سنن الله و سنن رسوله، اهل تکبر و برتری طلبی و تجاوزگری و فساد نیستند، لا یتکبرون و لا یفلحون و لا یفسدون.

آنگاه در پایان خطبه می‌فرماید: دل‌های آنان در بهشت است و بدن‌هایشان در کار و کوشش، قلوبهم فی الجنان و اجساد هم فی العمل (۱۳) جانیشان در آن عالم است و جسمشان در این عالم، یعنی هم زمان با این که جسم آنها مشغول عمل است، جان آنان در بهشت متنعم است.

۱۰. در خطبه ۱۹۷ درباره این که پیرو راستین وحی بود و لحظه‌ای از مسیر وحی فاصله نگرفت، می‌فرماید: انی لم ارد علی الله ولا علی رسوله ساعه قط، من لحظه‌ای در برابر فرمان خداوند و رهبری‌های رسول اکرم (ص) نایستاده و آن را رد نکردم، بلکه مطیع محض بودم.

در پایان همین خطبه می‌فرماید: فوالذی لا اله الا هو انی لعلی جاده الحق و انهم لعلی مزله الباطل، سوگند به خدا من در مسیر حق و در جاده حقیقت هستم و آنها که مخالفند در لغزشگاه باطل قرار دارند.

آن چه گذشت، نمونه‌هایی کوتاه از معرفی حضرت علی بن ابی طالب (ع) از زبان خود آن حضرت (ع) بود، آفتاب آمد دلیل آفتاب، چون شخصیتی مانند ایشان را باید رسول اکرم (ص) و یا خود او معرفی کند، چنان که رسول اکرم (ص) خطاب به امیرمومنان (ع) می‌فرمایند: غیر از خدا و من، کسی تو را آن گونه که شایسته‌ای است، نشناخت، ما عرفک حق معرفتک غیر الله و غیری (۱۴)

پاورقی.....

۱. سوره یوسف، آیه ۹۴

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲

۳. سوره حشر، آیه ۱۱

۴. نهج البلاغه، حکمت ۱۱۱

۵. همان مدرک، خطبه ۵۷

۶. سوره نجم، آیه ۳۲، خودتان را پاک نشمارید.

۷. نهج&zwjz;البلاغه، نامه ۲۸

۸. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸

۹. سوره انعام، آیه ۱۶۲

۱۰. بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۹

۱۱. نهج البلاغه، خطبه ۹۳

۱۲. همان، خطبه ۱۸۹

۱۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲

۱۴. بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۸۴